

بدرقه باشکوه شهید «محمد مهدی رضایی صدرآبادی» بردستان مردم دارالعباده

یزد به احترام «محمد مهدی» ایستاد



مردم است؛ مردمی که در لحظه بدرقه، حضورشان را به زبان احترام و قدرشناسی از ایثار فرزندان این سرزمین تبدیل کردند. پیکر این شهید پس از تشییع، در قطعه شهدای خلدبرین یزد آرام گرفت تا نام «محمد مهدی رضایی صدرآبادی» نیز در کنار دیگر شهدای دارالعباده ماندگار شود. مراسم یادبود این شهید نیز صبح سه‌شنبه هفتم مهرماه در مسجد روضه محمدیه (حظریه) برگزار می‌شود. محمد مهدی رفت؛ اما بدرقه پرشور مردم یزد روایت دیگری داشت: شهری که برای آخرین سلام به یکی از فرزندان شهیدش، به میدان آمد.



دارالعباده یزد بار دیگر صحنه حضور مردمی شد که برای بدرقه یکی از فرزندان شهید این دیار، گرد هم آمدند؛ مردمی از اقشار مختلف که در کنار خانواده‌های معظم شهدا، ایثارگران و مسئولان، پیکر شهید «محمد مهدی رضایی صدرآبادی» را تا خانه ابدی‌اش در خلدبرین همراهی کردند.

آیین تشییع پیکر این شهید، عصر دوشنبه ششم مهرماه از میدان امام رضا(ع) به سمت قطعه شهدای خلدبرین یزد برگزار شد و حضور گسترده مردم، جلوه‌ای از قدرشناسی یزدی‌ها از شهیدی بود که پس از تحمل جراحات ناشی از حمله دشمن، سرانجام به هم‌زمان شهید خود پیوست.

مردم یزد آمده بودند تا آخرین مسیر را با شهیدی طی کنند که دفاع از میهن را تنها در واژه‌ها معنا نکرد و در روزهای سخت، سهم خود را از این دفاع با جان خویش ادا کرد. محمد مهدی رضایی صدرآبادی، بسیجی و مهندس مکانیک و پدر سه فرزند بود. او در جریان حملات اخیر آمریکا و اسرائیل به ایران مجروح شد و پس از تحمل جراحات وارده، به شهادت رسید. اما آنچه آیین بدرقه این شهید را به صحنه‌ای معنادر تبدیل کرد، حضور مردمی بود که فارغ از جایگاه و مسئولیت، در کنار یکدیگر ایستادند. اقشار مختلف مردم و مسئولان استان در این مراسم حضور یافتند تا پیکر شهید رضایی صدرآبادی را تا قطعه شهدا همراهی کنند. در میان جمعیت، شاید سنگین‌ترین لحظه‌ها سهم خانواده‌ای بود که باید با پدر خانواده وداع می‌کرد؛ سه فرزندی که از این پس نام پدرشان نه فقط در شناسنامه خانوادگی آنان، بلکه در شمار شهدای این سرزمین ثبت شده است. تشییع شهید رضایی صدرآبادی بار دیگر نشان داد که در یزد، فرهنگ تکریم شهدا همچنان بخشی زنده از حافظه اجتماعی

سرمقاله

...ادامه از صفحه نخست

یزد به زیرساخت هوایی نیاز دارد
نه فقط چند پرواز

موضوع اصلی دقیقاً همین جاست. توسعه صنعت هوایی یزد را نباید تنها با افزایش چند پرواز در جدول فرودگاه سنجید. اگر قرار است یزد در این حوزه صاحب جایگاهی پایدار شود، ایجاد زیرساخت‌های فنی، تعمیراتی و پشتیبانی یک ضرورت است. احداث آشیانه و مرکز تعمیرات هواپیما می‌تواند بخشی از این خلأ را جبران کند؛ به‌ویژه اگر این مجموعه صرفاً برای رفع نیاز یزدایر تعریف نشود و در آینده ظرفیت ارائه خدمات تخصصی گسترده‌تر را نیز پیدا کند. یزد، با حجم قابل توجه فعالیت‌های صنعتی و معدنی و ظرفیت کم‌نظیر گردشگری خود، به ارتباط هوایی پایدار نیاز دارد. شهری که بافت تاریخی آن در فهرست میراث جهانی قرار گرفته، نمی‌تواند برای توسعه گردشگری بین‌المللی صرفاً به ظرفیت‌های زمینی متکی باشد. سرمایه‌گذار، گردشگر، فعال اقتصادی و حتی شهروند عادی زمانی می‌تواند روی حمل‌ونقل هوایی حساب کند که «پایداری» را در برنامه پروازها ببیند.

یزد ایر باید اعتماد مسافر را پس بگیرد

در صنعت هواپیمایی، داشتن هواپیما مهم است، اما کافی نیست. مسافر بیش از هر چیز به ثبات نیاز دارد؛ اینکه بدانند پروازی که برای آن برنامه‌ریزی کرده، بخشی از یک برنامه منظم و قابل اتکاست. از این منظر، مهم‌ترین بخش سخنان اخیر استاندار یزد شاید نه احداث آشیانه، بلکه تأکید او بر پایداری پروازها و ارائه خدمات مطلوب به مردم باشد. یزدایر برای خیز دوباره، پیش از توسعه گسترده مقاصد، نیازمند تثبیت عملیات خود است. بازگشت هواپیماهای زمین‌گیر به چرخه، تأمین ناوگان آماده به خدمت، نظم پروازی، کیفیت خدمات و پاسخگویی مناسب به مسافران، مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند اعتماد عمومی را تقویت کنند.

فرصت دوباره‌ای که نباید از دست برود

یزدایر امروز در نقطه‌ای قرار گرفته که می‌تواند تجربه دشوار گذشته را به نقطه آغاز یک بازسازی تبدیل کند. تغییر ساختار مالکیت، برنامه‌ایابی ناوگان و اکنون توافقی برای احداث آشیانه و مرکز تعمیرات، در صورت تحقق عملی، می‌تواند مسیر متفاوتی پیش روی این شرکت قرار دهد. اما فاصله میان «توافق» و «تحقق» همان جایی است که بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ای گرفتار آن می‌شوند. این پس افکار عمومی حق دارد بداند آشیانه و مرکز تعمیرات چه زمانی ساخته خواهد شد، سرمایه‌گذاری آن چگونه تأمین می‌شود، هواپیماهای زمین‌گیر چه زمانی به چرخه بازمی‌گردند و برنامه یزدایر برای تثبیت و توسعه مسیرهای پروازی چیست. این مطالبه نه مخالفت با یزدایر، بلکه دقیقاً حمایت از مجموعه‌ای است که نام یزد را با خود حمل می‌کند. خبرهای تازه درباره یزدایر امیدبخش است؛ اما قضاوت نهایی را نه تیتربخبرها، بلکه آنچه در فرودگاه شهید صدوقی اتفاق می‌افتد رقم خواهد زد. یزد به یک شرکت هواپیمایی قدرتمند، پایدار و پاسخگو نیاز دارد؛ شرکتی که بتواند در کنار دیگر شرکت‌های فعال، سهم مناسبی در اتصال این استان به مقاصد داخلی و خارجی داشته باشد. ساخت آشیانه و مرکز تعمیرات می‌تواند یک گام مهم باشد، اما گام مهم‌تر، بازگرداندن ثبات به پروازها و اعتماد به مسافران است. یزد ایر فرصت دوباره‌ای برای اوج گرفتن پیدا کرده است؛ اکنون باید دید توافقی‌های روی میز، چه زمانی روی باند فرودگاه دیده خواهند شد. این بار مردم یزد بیش از وعده منتظر پروازند.

